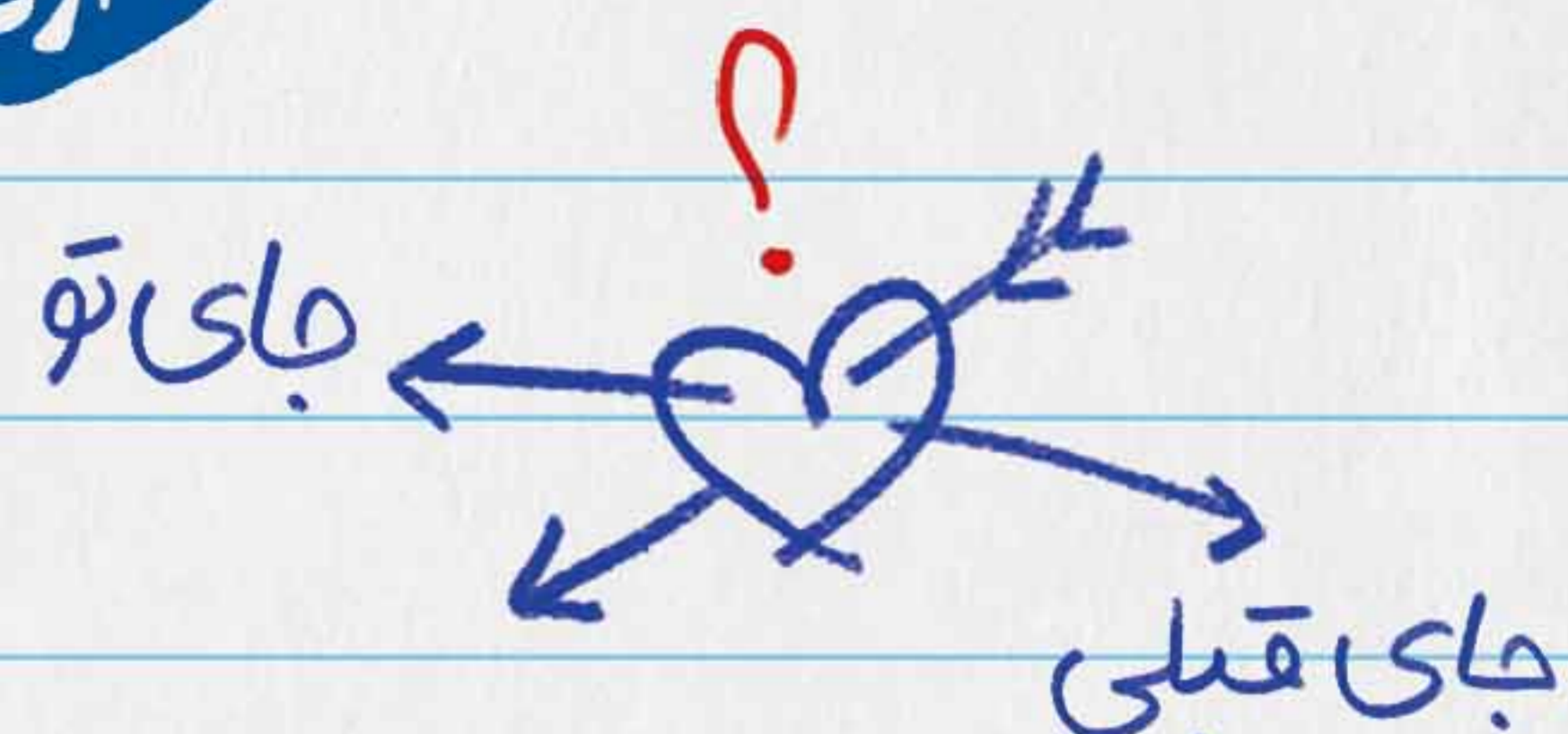




برگ امتحانی:
 کلاس: بیزنس کلاس
 امروز!
 تاریخ و موضوع امتحان: امتحان نهایی!

۱۳- شکل قلب را بکشید و قسمت‌های مختلف آن را نام ببرید.

پایه دهم
 ویژه امتحان نهایی



امتحانات عربی انسانی با ۲۰ تمام همیشه

حسین منصوری ← سید هادی هاشمی

۱۴- با کلمات زیر جمله بسازید.

بابا - هواپیما - کیش - سفر - ساحل
 # بابا-پول-ندارد

۱۵- نام سه دریاچه در ایران را بنویسید.

دریاچه خزر دریاچه قم دریاچه ارومیه (سابق)

۱۶- بهرام که گور می گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور گرفت. (کنکو بهرام)

۱- شهرام ۲- مهرام ۳- بهرام ۴- آرام ۳- مزه

۱۷- استوانه روبرو گنجایش چه حجمی از آب را دارد؟
 به نظر خودم حدود یک لیوان و نیم است

۱۸- با توجه به قضیه فیثاغورث X را بیابید.

اینهاست پیدایش کردم اینجا است ۳

۱۹- معادل فارسی کلمات زیر را بنویسید.

۱- پینزا (همون پیتزا) ۲- کارانتی (معادل ندارد. تضمین خودی عربی است.)

۲۰- در مورد حافظ به سوالات زیر جواب بدهید.

الف) لقب او چه بود؟ لسان الغیب (ب) در چه قرنی درگذشت؟
 هرگز نمیرد آنک دلش زنده شد به عشق

مزه نمی گیری ولی آفرین! دست گرم!



پایه دهم

با اینکه مزه فقط به عذره و بی سبب و بی رویه است!
 ۹۷۷۵

- ارائه واژگان و متن درس به شیوه نوین
- کامل ترین بانک سوالات امتحانی با پاسخ تشریحی (۱۵۰۰ پرسش امتحانی تیپ بندی شده)
- ارائه قواعد کاربردی همراه با مثال
- امتحانات شبیه ساز نهایی با راهنمای تصحیح و ریزبارم بندی

نهایه خرداد ۱۴۰۳

مقدمه مؤلفان

سلام خدمت همه دانش‌آموزای دهمی که قراره همراهان جدید ما در درس عربی باشن و به کمک هم برای امتحان نهایی عربی پایه دهم آماده بشیم ...

بچه‌ها! از وقتی که قرار شد دروس پایه دهم هم در نتیجه کنکور دارای تأثیر قطعی بشه، ما به تکاپو افتادیم که خب ... چه کنیم که بهترین کمک برای عزیزان دهمی ما در درس شیرین عربی باشه؟ ... خیلی فکر کردیم و مشورت کردیم و ... خلاصه تصمیم گرفتیم که یه کتاب کامل و همه‌چی تموم براتون آماده کنیم که همه جوانب امتحان نهایی رو پوشش بده و بتونه شما رو برای کسب نمره کامل یعنی بیست آماده کنه؛ پس با توکل بر خدا کار رو آغاز کردیم و این کتاب پربار رو نوشتیم. حالا بریم ببینیم این کتاب چه بخش‌هایی داره و چه‌جوری باید باهاش ارتباط بگیریم!

هر درس رو با قسمت «واژگان» شروع کردیم که همه واژه‌های مهم درس رو با ترجمه و بیان نکات مهم و طلایی آوردیم. این واژگان رو به همون ترتیبی که در کتاب اومده، آوردیم که شما بتونین خطبه‌خط از روی کتاب درسی جلو برین و تموم واژه‌های مهم رو یک دور مرور کنین. تازه نکات طلایی و دام‌های اون واژه رو هم یاد بگیرین. این نکات طلایی گاهی شامل نکات قواعدی اون کلمه هست که در درس‌های گذشته خوندید، گاهی شکل مفرد یا جمع اون کلمه است و گاهی هم مترادف و متضاد اون کلمه و گاهی هم دام‌هایی در مورد اون واژه که ممکنه یه تله بزرگ برای شما باشه و ما خواستیم پیشاپیش بهتون یاد بدیم. بعد از بخش واژگان می‌رسیم به جملات مهم متن درس و تمرینات که این دفعه براتون ترجمه نکردیم، بلکه سعی کردیم به صورت جای خالی و دوگزینه‌ای و ترجمه غلط و ... بیاریم که هم جملات مهم متن درس و تمرینات رو ببینین، هم با همکاری خودتون ترجمه‌شون کنیم که همیشه یادتون بمونه!

قسمت بعدی هر درس هم **سؤالات مربوط به ترجمه واژگان و جملات مهم** هست که تیپ‌های امتحان نهایی مربوط به اون درس رو براتون آوردیم. مطمئن باشین اگر همین سؤالات رو به طور کامل پاسخ بدین، نمره کامل این بخش توی امتحان نهایی رو شاخشه!!! ترجمه واژه در قالب جمله، نوشتن مترادف و متضاد و جمع و مفرد، ترجمه دوگزینه‌ای، پرکردن جای خالی و اصلاح ترجمه غلط بخش‌هایی از این قسمت مهم هستند.

اما قسمت بعدی هر درس که تدریس قواعد درس به همراه حل نمونه سؤالات از قواعد هست؛ نمونه سؤالاتی که عمدتاً از متن دروس قبلی آوردیم و سعی کردیم کم‌تر از متن همان درس در این قسمت استفاده کنیم. در بخش قواعد سعی کردیم همه نکات امتحانی کتاب درسی رو بیان کنیم که بهترین نمره امتحان رو کسب کنین.

بعد از تدریس قواعد، **نمونه سؤالات قواعدی** هر درس اومده که این‌جا هم سعی شده تمام تیپ‌های امتحان عربی نهایی رو بیاریم که از همین الان با سبک امتحان نهایی آشنا بشین و خدای نکرده سر جلسه امتحان نهایی براتون غریب نباشه. در انتهای کتاب چند نمونه امتحان نوبت اول و نوبت دوم آوردیم که خیلی آماده بشین!

راستی پاسخ‌نامه تشریحی همه سؤالات کتاب رو هم آوردیم که تا اونا رو نخونین، یادگیری تون کامل نمی‌شه! بچه‌های عزیز سال دهم! نکته مهم و کاربردی اینه که مطالب عربی دهم بسیار پایه‌ای و اساسی برای یادگیری عربی یازدهم و دوازدهم هست و باید سعی کنین امسال یه تلاش جانانه توی عربی داشته باشین و حسابی روی این درس وقت بگذارین و مطمئن باشین ضرر نمی‌کنین!

در آماده‌سازی این کتاب عزیزان بسیاری به صورت مستقیم و غیرمستقیم نقش داشتن که جا داره از تک‌تک‌شون تشکر کنیم؛ خانواده‌های عزیزمون که اگر همراهی اون‌ها نبود که ما حالا حالاها نمی‌تونستیم تألیف رو تموم کنیم. همکاران محترم انتشارات وزین خیلی سبز که جز با یاری و مساعدت‌هاشون کار به این خوبی انجام نمی‌شد خصوصاً آقای احمد علی نژاد و سرکار خانم مهین افشار که لحظه‌به‌لحظه همراهمون بودن و با نظرات کارشناسانه این کتاب رو به نتیجه رسوندن! همین‌طور همکاران محترم و اساتید زبان عربی که در ویراستاری این کتاب خیلی زحمت کشیدن خصوصاً خانم سمانه ریحانی، خانم منیژه خسروی، خانم مهدیه زنده و آقای محمد رمزی. همین‌طور سایر همکاران محترم واحدهای فنی، تولید، فروش، روابط عمومی و ... انتشارات خیلی‌سبز که در تکمیل این کتاب نقششون بسیار مهم و ستودنیه.

در پایان از همه همکاران گرامی و معلمان دلسوز درس عربی و دانش‌آموزان با سواد و دقیق خواستاریم هر پیشنهاد یا انتقادی در جهت ارتقای کتاب دارن، از طریق ایمیل Hashemi.hadi2000@gmail.com با ما در میون بگذارن.

فهرست مطالب

درس اول: ذاك هو الله

صفحه	پخش اول: واژگان و ترجمه	۵
	پخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه	۷
	پخش سوم: قواعد درس - الأفعال و الضمائر و أسماء الإشارة	۸
	پخش چهارم: سوالات قواعد	۱۶

درس ششم: المعالم الخلابية

صفحه	پخش اول: واژگان و ترجمه	۵۷
	پخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه	۵۹
	پخش سوم: قواعد درس - اعراب أجزاء الجملة الاسمية و الفعلية	۶۱
	پخش چهارم: سوالات قواعد	۶۳

درس دوم: انکم مسؤولون

پخش اول: واژگان و ترجمه	۱۷
پخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه	۲۰
پخش سوم: قواعد درس - الأعداد من واحد إلى مئة	۲۱
پخش چهارم: سوالات قواعد	۲۴

درس هفتم: صناعة النقط

پخش اول: واژگان و ترجمه	۶۴
پخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه	۶۶
پخش سوم: قواعد درس - الفعل المجهول	۶۸
پخش چهارم: سوالات قواعد	۷۰

درس سوم: مظهر السمك

پخش اول: واژگان و ترجمه	۲۶
پخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه	۲۹
پخش سوم: قواعد درس - الفعل الثلاثي المجزئ و المزيد (۱)	۳۱
پخش چهارم: سوالات قواعد	۳۴

درس هشتم: يامن في البحار عجايبه

پخش اول: واژگان و ترجمه	۷۱
پخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه	۷۴
پخش سوم: قواعد درس - أجاز و المجزئ و نون الوقاية	۷۶
پخش چهارم: سوالات قواعد	۷۸
پاسخ های تشریحی کتاب	۸۰

درس چهارم: التعايش السلمي

پخش اول: واژگان و ترجمه	۳۷
پخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه	۴۰
پخش سوم: قواعد درس - الفعل الثلاثي المزيد (۲)	۴۲
پخش چهارم: سوالات قواعد	۴۵

ضمیمه: امتحانات شبیه ساز نهایی

امتحان شماره ۱: نوبت اول (میان سال)	۹۸
امتحان شماره ۲: نوبت اول (میان سال)	۱۰۰
امتحان شماره ۳: نوبت دوم (پایان سال)	۱۰۲
امتحان شماره ۴: نوبت دوم (پایان سال)	۱۰۴
امتحان شماره ۵: نوبت دوم (پایان سال)	۱۰۶
امتحان شماره ۶: نوبت دوم (پایان سال)	۱۰۸
امتحان شماره ۷: نوبت دوم (خرداد ۱۴۰۳)	۱۱۰
پاسخ امتحانات	۱۱۲

درس پنجم: هذا خلق الله

پخش اول: واژگان و ترجمه	۴۷
پخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه	۵۰
پخش سوم: قواعد درس - الجملة الفعلية و الاسمية	۵۲
پخش چهارم: سوالات قواعد	۵۵



ذَٰكَ هُوَ اللَّهُ

الْأَفْعَالُ وَ الصَّمَائِرُ وَ أَسْمَاءُ الْإِشَارَةِ + التَّعَاظِفُ

الدَّرْسُ الأول

واژگان و ترجمه

بخش اول

واژگان

واژه و نکات طلایی	ترجمه	واژه	واژه و نکات طلایی	ترجمه	واژه
—	ریزان	مُنْهَمِرَةٌ	—	ستایش	الحمد
—	کامل	بَالِغَةٌ	«لِ» به «الله» بچسبید، «ا» اول «الله» حذف می‌شود.	برای خداوند، مال خداوند	لِلَّهِ: لِ + الله
فعل ماضی - مضارع «يَزِينُ»	زینت داد	زَانَ	جمع مؤنث سالم: السَّمَاءُ	آسمان‌ها	السَّمَاوَاتِ
مفرد: نَجْم - مترادف: نُجُوم	ستارگان	أَنْجُمٌ	مؤنث معنوی	زمین	الأَرْضِ
مفرد: الدَّرَّ	مرواریدها	الدَّرَرُ	فعل امر	نگاه کن، ببین	أَنْظُرْ
جمع مکسر: الغيوم	ابر	الغيم	این کلمه را با «ذات» به معنای «درون، باطن» اشتباه نگیرید.	دارای	ذات
جمع مکسر: أمطار	باران	مَطَرٌ	مفرد: العُصْنُ	شاخه‌ها	العُصُونِ
دام: ساز: شد	گردانید	صَيَّرَ	دام: خَضِرَةٌ: سرسبز	تر و تازه	النَّضِيرَةُ
—	تیره‌رنگی، غبارآلودگی	إِغْبَارٌ	فعل ماضی «نما» - مضارع «يَنمو»	رشد کرد	نَمَتْ
دام: أَخْضَرَ، خَضَرًا: سبز	سرسبز	خَضِرَةٌ	جمع مکسر: حُبُوبٌ	دانه	حَبَّةٌ
—	شکافت	شَقٌّ	فعل امر	جست‌وجو کن، بگرد	إِبْحَثْ
—	مجّه‌ز کرد	جَهَّزَ	فعل امر - ماضی: قَالَ، مضارع: يَقُولُ	بگو	قُلْ
—	اندیشمند	مُفْتَكِرَةٌ	—	این چه کسی است؟	مَنْ ذَا
—	آشنایی	التَّعَاظِفُ	فعل مضارع	بیرون می‌آورد	يُخْرِجُ
مترادف: صالَة	سالن	قَاعَةٌ	مؤنث معنوی	خورشید	الشَّمْسِ
دام: «الأمطار: باران‌ها» یا «المطر: باران»	فرودگاه	مَطَارٌ	—	پاره آتش	جَذْوَةٌ
اصطلاح	صبح بخیر	صَبَاحَ الْخَيْرِ	—	—	مُسْتَعْرَةٌ
اصطلاح در پاسخ «صبح‌الخير»	صبح به خیر - صبح نورانی و شاد	صَبَاحَ النَّوْرِ وَ الشَّرُورِ	مترادف: ضَوْءٌ	نور، روشنایی	ضِيَاءٌ
اسم اما در معنای فعل!	بخشید	عَفَوًا	—	پراکنده	مُنْتَشِرَةٌ
—	اهل کجایی؟	مِنْ أَيْنَ؟	«وَجَدَ: یافت»	به وجود آورد، پدید آورد	أَوْجَدَ
—	نام شریف‌تان چیست؟	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمِ؟	—	پاره آتش	الشَّرِزَّةُ
اصطلاح	متأسفانه	مَعَ الْأَسْفِ	—	آن	ذَاكَ
—	—	—	مفرد: نِعْمَةٌ - مترادف: نِعَمٌ	نعمت‌ها	أَنْعَمٌ

واژه	ترجمه	توضیح و نکات طلایی
الغدوان	دشمنی	متضاد: الصداقة، الخلة، مترادف: العداوة
حصد	درو کرد	—
قدزت	قادر شدی	مترادف: استطعت
صع	قرار بده	فعل امر؛ ماضی: وضع، مضارع: يصع
الأحجار	سنگ‌ها	مفرد: الحجر
الغالية	گران	متضاد: الرخيصة
اللون	رنگ	جمع مکسر: الألوان
الابيض	سفید	مؤنث: البيضاء
كوكب	سیاره، ستاره	جمع مکسر: كواكب
الملابس	لباس‌ها	مفرد: الملابس
الفسان	پیراهن زنانه	جمع: الفساتين
فائزات	برنده‌ها	مفرد: فائزة
البطارية	باطری	—
الأصدقاء	دوستان	مفرد: الصديق - متضاد: الأعداء، العدى
نام	خوابید	مضارع: ينام - مترادف: رقد
نهاية	پایان	متضاد: بداية - «نهاية» نادرست است.
ناجح	پیروز، موفق	مترادف: فائز، متضاد: راسب
مسرور	شاد	متضاد: حزين
يمين	راست	متضاد: يسار
شراء	خریدن	متضاد: بيع
مسموح	مجاز	متضاد: ممنوع
مجدد	کوشا	مترادف: مجتهد، نشيط
مستعينا	با کمک گرفتن از	—
محافظة	استان	—
يتفكرون	می‌اندیشند	فعل مضارع
ربنا	ای پروردگار ما	—

واژه	ترجمه	توضیح و نکات طلایی
أن أسافر	که سفر کنم	—
إلى اللقاء	به امید دیدار	اصطلاح برای خداحافظی
في أمان الله	در امان خدا، خدا نگهدارت	اصطلاح برای خداحافظی
كتمل	کامل کن	فعل امر؛ ماضی: كتمل، مضارع: يكتمل
لِمَ	چرا	مخفف «لماذا»
إعملوا	انجام دهید	فعل امر؛ دام: إعملوا بدانید
صالحاً	کاری نیکو، کاری شایسته	مترادف: الحسنة، متضاد: السيئة، السوء
لا تجعل	قرار نده	فعل نهی
كثرة	زیادی	متضاد: قلة
صوم	روزه	مترادف: صيام
صدق الحديث	راستگویی	—
أداء الأمانة	امانتداری	—
أطلبوا	طلب کنید	فعل امر
الصين	چین	—
فريضة	واجب دینی	جمع: فرائض
عين	مشخص کن	فعل امر
كان	گویی، مثل این که	—
تعيش	زندگی می‌کنی	متضاد: تموت
تموت	می‌میری	متضاد: تعيش
غداً	فردا	متضاد: أمس
ملك	به فرمانروایی رسید	—
الأراذل	فرومایگان	مفرد: الأزدل؛ متضاد: الأفاضل
الأفاضل	شایستگان	مفرد: الأفضل؛ متضاد: الأراذل

کار با متن

معنی	فعالیت	ترجمه
﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾	کَمَلْ ← از آن خدایی است که و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را
أَنْظُرُ لَيْتَكَ الشَّجَرَةَ ذَاتِ الْعُصُونِ النَّصْرَةَ	كَمَلْ ←	به آن درخت که دارای تر و تازه است.
كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ وَكَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً	صَحَّحْ (۲) ←	چگونه از دانه‌ای به وجود آمد و چگونه درختی را ساخت؟
فَابْحَثْ وَقُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا النَّمْرَةَ	إِنْتَخِبْ ←	(۱) پس سخن بگو و بگو چگونه از آن میوه‌هایش بیرون آمد؟ (۲) پس جست‌وجو کن و بگو چه کسی از آن میوه بیرون می‌آورد؟
وَ انظُرْ إِلَى السَّمْسِ الَّتِي جَدَوْتَهَا مُسْتَعْرَةً	كَمَلْ ←	و به خورشیدی بنگر که پاره آتش آن است. (۱) فروزان (۲) نمایان
مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوْءِ مِثْلَ الشَّرَرَةِ	إِنْتَخِبْ ←	چه کسی آن را مانند در فضا (۱) پاره آتش - یافت (۲) اخگر - به وجود آورد
ذَٰكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَ مِنْهُمَرَهُ	صَحَّحْ (۲) ←	او همان خدایی است که نعمتش همیشگی است.
وَ زَانَهُ بِأَنْجَمٍ كَالذَّرْرِ الْمُنْتَشِرَةِ	إِنْتَخِبْ ←	(۱) و ستارگانش را زینت داد، گویی مروارید پخش شده‌اند! (۲) و آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داد!

۱- «صَحَّحْ (۲)» به این معنی است که در ترجمه ۲ خط وجود دارد و باید اصلاح نمود. «ص ام خ» به این معنی است که مشخص شود عبارت مذکور از نظر مفهومی صحیح است یا خطا.



ترجمه	فعالیت	متن	
پس زمین پس از اندوه با آن سرسبز شد.	صَحَّح (۲) ←	فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِه بَعْدَ اغْبَارِ حَضِرِهِ	۹
..... را در آن و به بنگر و بگو چه کسی را در آن	كَمَّلَ ←	وَ انظُرْ إِلَى الْمَرْءِ وَ قُلْ مَنْ شَقَّ فِيهِ بَصْرَهُ	۱۰
۱) این کیست که آن را با نیرویی اندیشمند مجهز نمود؟ ۲) هر کس آن را مجهز نموده است نیرویی اندیشمند دارد.	إِتَّخَذَ ←	مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ بِقُوَّةٍ مَّفْتَكِرِهِ	۱۱
سایر جملات مهم درس			
ابر، بخاری در آسمان است که از آن فرود می آید.	كَمَّلَ ←	الغَيْمُ بَخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.	۱۲
۱) در آفرینش آسمان و زمین ها می اندیشیدند. ۲) در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند.	إِتَّخَذَ ←	﴿ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴾	۱۳
..... این را نیافریدی.	كَمَّلَ ←	﴿ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا ﴾	۱۴

سوالات واژگان و ترجمه

بخش دوم

اجعل كل كلمة من الشطر التالي في مكانها المناسب. (كلمات زائدتان)

قليل - الصديق - الغيم - الظلمة - مسموح - المطر - مسرور - بداية - أوجد - مראה - نام - ناجح - قريب - جميل

..... = ۱۵- السحاب ≠ ۱۶- كئيب = ۱۷- العذو
..... ≠ ۱۸- الضياء = ۱۹- أنشأ = ۲۰- رقد
..... ≠ ۲۱- حزين ≠ ۲۲- بعيد ≠ ۲۳- قبيح
..... ≠ ۲۴- نهاية ≠ ۲۵- ممنوع ≠ ۲۶- راسب

اكتب كلمة مناسبة حسب التوضيحات.

- ۲۷- هو الذي أنعمه منهمرة.
 ۲۸- في ضياء و حرارة و جذوتها مستعرة.
 ۲۹- بخار متراكم في السماء ينزل منه المطر.
 ۳۰- كوكب يدور حول الأرض و ضوءه من الشمس.
 ۳۱- تزين المرأة نفسها ب و هي من الأحجار الجميلة.
 ۳۲- نمت الشجرة من
 ۳۳- من الملابس النسائية ذات الألوان المختلفة.
 ۳۴- قطعة منفصلة من النار المستعرة.
- الله الغيم الجو
 الثور القمر الشمس
 التجم الغيم الشجرة
 القمر المطر الثمرة
 الملابس الدرر الفستان
 حرارة حبة ورقة
 الدرر الفستان الأنعم
 الضياء القمر الشررة

اكتب كلمة تناسب الصور.



..... - ۳۹



..... - ۳۸



..... - ۳۷



..... - ۳۶



..... - ۳۵

اكتب ما يطلب منك.

- ۴۰- الغيم جمع ←
 ۴۱- الأنعم مفرد ←
 ۴۲- الدر جمع ←
 ۴۳- الحجر جمع ←
 ۴۴- العن جمع ←
 ۴۵- الشجر جمع ←
 ۴۶- الأنجم مفرد ←
 ۴۷- ألوان مفرد ←

انتخب الكلمة الغريبة.

- | | | | |
|-------------|---------------|-----------------|-----------------|
| □ ۴ غُصْن | □ ۳ لَيْل | □ ۲ شَجَرَة | □ ۱-۴۸ ورق |
| □ ۴ جَذْوَة | □ ۳ وَا فِرَة | □ ۲ مُنْهَمِرَة | □ ۱-۴۹ كَثِيرَة |
| □ ۴ غَيْم | □ ۳ مَطَر | □ ۲ سَحَاب | □ ۱-۵۰ مَطَار |
| □ ۴ شَرَزَة | □ ۳ جَذْوَة | □ ۲ نَضْرَة | □ ۱-۵۱ حَرَارَة |
| □ ۴ خَرِيف | □ ۳ زَبِيع | □ ۲ شِتَاء | □ ۱-۵۲ لَوْن |
| □ ۴ أَزْرَق | □ ۳ أَخْضَر | □ ۲ أَحْمَر | □ ۱-۵۳ أَكْبَر |

اكتب معنى المفردات التي تحتها خط.

- ۵۴- أنظر إلى الغيم فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ؟
 ۵۵- كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ؟
 ۵۶- وَ زَانَهُ بِأَنْجَمٍ.
 ۵۷- فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ؟
 ۵۸- أَنْظِرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَدَوْتَهَا مُسْتَعْرَةً.
 ۵۹- فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.
 ۶۰- مَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ؟

انتخب كلمة مناسبة لل فراغ.

- ۶۲- قَالَ أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي المَطَارِ.
 ۶۳- قِطْعَةً مِنَ الثَّارِ.
 ۶۴- حَالِكًا؟ أَنَا بِخَيْرٍ.
 ۶۵- قَوْلٌ نِصْفَ الْعِلْمِ.
 ۶۶- هَلِ إِلَى إِبْرَانَ حَتَّى الْآنَ يَا صَدِيقِي؟
 ۶۷- زَانَ اللهُ اللَّيْلَ بِ
 ۶۸- تِلْكَ الشَّجَرَةُ ذَاتُ الْغُصُونِ
 ۶۹- كَيْفَ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةٌ؟
- | | | |
|----------------|----------------|----------------|
| □ دَارٍ | □ قَاعَةٌ | □ مَرْقَدٍ |
| □ الشَّرْرَة | □ الدَّرَز | □ القَمَر |
| □ مَاذَا | □ كَيْفَ | □ أَيْنَ |
| □ مَا أَنْزَلَ | □ لَا يَخْلُقُ | □ لَا أَعْلَمُ |
| □ أَسَافِرُ | □ سَافَرُوا | □ سَافَرَتْ |
| □ الْغُيُومِ | □ الْغُصُونِ | □ التَّجُومِ |
| □ الرَّخِيسَة | □ النَّضْرَة | □ الشَّرْرَة |
| □ صَارَتْ | □ أَنْزَلَتْ | □ أَنْمَرَتْ |

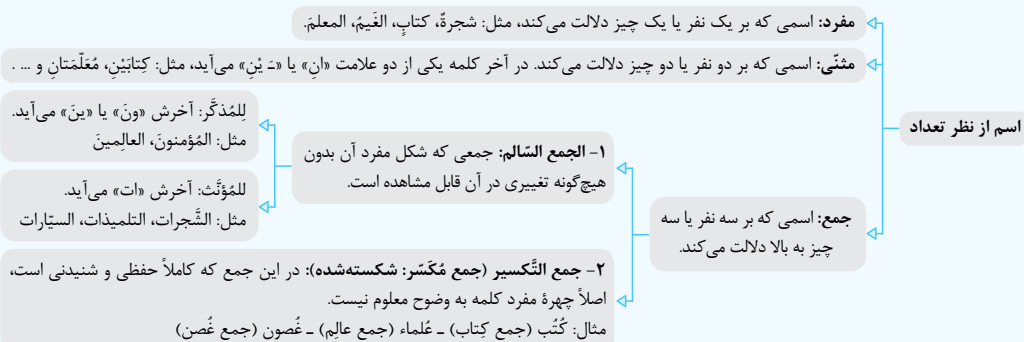
ترجم العبارات.

- ۷۰- مَا سَافَرْتُ حَتَّى الْآنَ لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ.
 ۷۱- نَمَتِ الشَّجَرَةُ مِنْ حَبَّةٍ وَ صَارَتْ شَجَرَةً مُرْتَفَعَةً.
 ۷۲- وَ بَحَثَ عَنِ الْأَشْجَارِ وَ قَالَ مَنْ يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ؟
 ۷۳- فَصَبَّرَ الْأَرْضَ بِهِ بَعْدَ اغْتِرَابِ خَضْرَاهُ.
 ۷۴- وَ أَنْظَرَ إِلَى الْمَرْءِ وَ قُلْ مَنْ شَقَّ فِيهِ بَصْرَهُ.
 ۷۵- مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرِهِ.
 ۷۶- رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿
 ۷۷- أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.
 ۷۸- لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ.
 ۷۹- قَوْلٌ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ.
 ۸۰- ﴿وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾

بحش سوم: قواعد درس - الأفعال و الضمائر و أسماء الإشارة

در درس اول عربی سال دهم مهم ترین قواعد سال های هفتم تا نهم را مرور می کنیم.

اسمها از نظر تعداد به سه دسته مفرد، مثنی و جمع، تقسیم می شوند که در زیر با آنها آشنا می شویم:



اسمها از نظر جنس به دو نوع مذکر و مؤنث تقسیم می‌شوند:

۱- مُذَكَّر: اسمی که دلالت بر جنس نر (الذَّكَر) یا صفات آن دارد.

۲- مُؤنَّث: اسمی که دلالت بر جنس ماده (الأُنثی) یا صفات آن دارد.

این اسمها عمدتاً نشانه‌هایی از قبیل «ة، ی، اء» دارد که البته جزء حروف اصلی‌شان نیست، مثل: شَجْرَة، كَبْرَى، صَحْرَاء.

اسم از جهت جنس

راه تشخیص جنس یک اسم

مهم‌ترین نشانه مؤنث یا مذکر بودن یک اسم، معنا و حقیقت آن است. به عنوان مثال «حَمْرَة» مذکر است هرچند «ة» دارد و «زینب» مؤنث است اگرچه «ة» ندارد. اسامی مانند «أُم، بِنْت، أُخْت و ...» نیز به همین صورت‌اند.

نکات ۱ «ت» نشانه مؤنث نیست. مثلاً «الْبَيْت، الصَّوْت، المَوْت، الوَقْت و...» مذکر هستند.

۲ «ی، اء» زمانی نشانه مؤنث است که جزء ریشه کلمه (سه حرف اصلی) نباشد، یعنی این که اگر «ی، اء» را برداریم، حداقل سه حرف باقی بماند. مثل: صَحْرَاء (مؤنث)، ماء (مذکر)، هُدَى = هِدَايَة (مذکر)

مؤنث‌های «معنوی» اسامی که حقیقت و واقعیت ماده را ندارند و نشانه‌های تأنیث (ة، ی، اء) هم ندارند، مؤنث‌های معنوی می‌نامیم که در زبان عربی مؤنث به شمار می‌آیند.

مثال اَرْض: زمین - شَمْس: خورشید - حَرْب: جنگ - بَطْر: چاه - نَفْس: وجود - رِيح: باد - دار: خانه - نار: آتش - جَهَنَّم: دوزخ - سَمَاء: آسمان و ...
اعضاء زوج بدن ← يَد: دست - عَيْن: چشم - رَجُل: پا - أُذُن: گوش - كَيْف = كَيْف: شانه - كَف: کف دست
نام کشورها، شهرها و اماکن (چه عربی چه غیرعربی): ایران، حجاز، طهران، ...

نکته اگر اسمی جمع مکتسر باشد، برای تشخیص در مورد جنس (مذکر و مؤنث) ابتدا باید آن را مفرد کنیم و از مفرد آن، جنس را تشخیص دهیم. پس هر اسم مفردی که مذکر باشد، جمعش هم مذکر است، حتی اگر نشانه تأنیث داشته باشد.

مثال الطَّالِب ← الطَّلَبَة (دانش آموزان، دانشجویان) - القائد ← القادة (رهبر، رهبران) - الأخ ← الإخوة (برادر، برادران)

دام‌های مهم و کار بردی

- اسم دارای «ة» ممکن است مفرد مذکر باشد، مثل حَمْرَة، طَلْحَة، مُعَاوِيَة یا جمع مکتسر باشد، مثل طَلْبَة (ج طالب)، إِخْوَة (ج أخ)، قَاذَة (ج قَائِد)، سَادَة (ج سَيِّد) و ...
- اسم دارای «ان» ممکن است مفرد مذکر باشد، **مثال** نِسِيَان: فراموشی، دَوْرَان: چرخش، جَزَيَان: جاری شدن، عَطْشَان: تشنه، جَوْعَان: گرسنه، غَضْبَان: خشمگین، غَضِيَان: نافرمانی، فُسْتَان: لباس زنانه و ... یا جمع مکتسر باشد، **مثال** أَغْصَان (ج غُصْن)، أَلْوَان (ج لَوْن)، أَدْيَان (ج دِين)، غَزَالَان (ج غَزَال)، إِخْوَان (ج أَخ)، أَحْزَان (ج حُزْن) و ...
- اسم دارای «ین» نشانه مثنی یا «ین» ممکن است مفرد مذکر باشد، **مثال** دین، مسکین و... یا جمع مکتسر باشد، مثل مَضَامِين (ج مَضْمُون)، قَوَانِين (ج قَانُون)، شَيْطَانِين (ج شَيْطَان)، دَوَاوِين (ج دِيَوَان)، مِيَادِين (ج مِيَادَان)، فُسَاتِين (ج فُسْتَان)، سَلَاطِين (ج سُلْطَان)، بَسَاتِين (ج بَسْتَان) و ...
- اسم دارای «ات» ممکن است مفرد باشد، مثل ذات: درون، دارای، نَبَات: گیاه و ... یا جمع مکتسر باشد، **مثال** أَصْوَات (ج صَوْت)، أَوْقَات (ج وَقْت)، أَمْوَات (ج مَيِّت)، أَيْبَات (ج نَيْت)، بَنَات (ج بِنْت) و ...
- اسم دارای «ون» ممکن است مفرد مذکر باشد، **مثال** دَوْن: به‌جز، جُنُون: دیوانگی یا جمع مکتسر باشد، مثل غُصُون (ج غُصْن)، دِيُون (ج دِين)، فُنُون (ج فُنْ)، عُيُون (ج عَيْن: چشمه)، قُرُون (قَرْن) و ...

ضع هذه الكلمات في مكانها المناسب ثم ترجمها.

الحمْد - السَّمَاوَات - العُصُون - فَائِزَات - الشَّمْس - جَدَوْتَيْن - أَنْعَم - أَنْجَم - الصَّالِحُونَ - مَطَارَان - الإِسْلَامِيَّة - اللِّقَاء - أَبْحَاثًا - دِقَّةً - كَوَاكِبَ - النَّار - عَقَارِبَ

مفرد مذکر	مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکتسر
۸۱-	۸۲-	۸۳-	۸۴-	۸۵-	۸۶-	۸۷-

۸۸- عَيْن نوع الجمع في العبارات التالية.

الف) أُنشِدَ الشَّاعِرُ قَصِيْدَةً طَوِيْلَةً، الأَبْيَاتُ الْجَمِيْلَةُ فِيهَا كَثِيْرَةٌ! (ب) اِسْتَمَعْنَا إِلَى أَصْوَاتِ الطَّيُّورِ فِي الْغَايَةِ وَ هِيَ جَمِيْلَةٌ وَ كَثِيْرَةٌ!

۸۹- عَيْن ما فيه جمع سالم للمذکر.

□ (۱) إِنْ كُنْتَ مِنَ الضَّامِّينَ فَلَا تَكْذِبْ فِي أَعْمَالِكَ! □ (۲) لِكُلِّ بَلَدٍ قَوَانِيْنٌ خَاصَّةٌ يَجِبُ عَلَى النَّاسِ اِتِّبَاعُهَا!

وزن کلمات در عربی

اکثر اسمها و فعلها در عربی دارای وزن هستند. وزن کلمات را با یافتن حروف اصلی (ریشه) کلمه و قراردادن سه حرف «ف، ع، ل» به جای این سه حرف می‌یابیم.
مثال «جاهد» از ریشه «جهد» بر وزن «فَاعِل» - «مَتَعَلَم» از ریشه «علم» بر وزن «مَتَفَعَل» - «مُشَاهَدَة» از ریشه «شهد» بر وزن «مُفَاعَلَة»
 ۹۰- اُكْتُبَ وزن الكلمات.

نَضْرَةٌ / يُخْرِجُ / مُسْتَعْرَبٌ / أَوْجَدَ / أَنْعَمَ / بِاللَّغَةِ / تَعَاظُ / أَشْرَفَ / أَحْجَارٌ / غَالِيَةٌ / مَلَابِسٌ / صَبَّارٌ / مَسْمُوحٌ / مُجَدِّدٌ / يَتَفَكَّرُونَ

اسم‌های اشاره در عربی

اسم‌های اشاره قبل از کلمات به کار می‌روند و معنای «این، آن، این‌ها و ...» می‌دهند.

مکان	جمع مؤنث	مثنی مؤنث	مفرد مؤنث	جمع مذکر	مثنی مذکر	مفرد مذکر	
هنا: این‌جا	هؤلاء	هاتان، هاتين	هذه	هؤلاء	هذان، هذين	هذا	للقريب (نزدیک)
هناك: آن‌جا	اولئك	—	تلك	أولئك	—	ذلك	للبعيد (دور)

نکته اسم اشاره برای اسم‌های جمع غیر انسان به صورت مفرد مؤنث (هذه، تلك) به کار می‌رود، **مثال** هذه الشجرات، تلك الأيام.

۹۱- ضَع اسم الإشارة المناسب.

..... السماواتِ البطاريةُ التور العُصونِ
 الإخوان اليدينِ الدزر المطر

ترجم الجملة التالية.

۹۲- تلك شجرة نظرها في الحديقة كل يوم: ۹۳- هؤلاء المؤمنون يصلون في المساجد:

اسم موصول در عربی

اسم‌های موصول کلماتی هستند که برای وصل کردن کلمات به کار می‌روند و معنای «که، این‌که» دارند.

مفرد مذکر	مثنی مذکر	جمع مذکر	مفرد مؤنث	مثنی مؤنث	جمع مؤنث	
الذي	الَّذَانِ، اللَّذَيْنِ	الَّذِينَ	الَّتِي	الَّتَانِ، اللَّتَيْنِ	الَّتَاتِي	خاص
من						عام (انسان)
ما						عام (غير انسان)

نکته اسم موصول برای اسم‌های جمع غیر انسان به صورت مفرد مؤنث (التي) به کار می‌رود. **مثال** هذه الشجرات التي، تلك الأيام التي.

كَمَل الفراغ بالموصول المناسب.

۹۴- ﴿ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَٱلْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَٱلنُّورَ﴾ ۹۵- وَ أَنْظِرْ إِلَى السَّمْسِ جَدَّوْثَهَا مُسْتَعْرَبَةٌ.
 ۹۶- تِلْكَ الشَّجَرَةُ نَنْظُرُهَا ذَاتَ الْعُصُونِ النَّضْرَةَ. ۹۷- أَنْظِرْ إِلَى اللَّيْلِ فِيهِ قَمَرَةٌ.
 ۹۸- ٱلسُّنَانُ مِنَ ٱلْمَلَابِسِ التَّسَائِيَةِ لَهَا أَلْوَانٌ مُّخْتَلِفَةٌ.

ضمایر

اسم‌هایی که معنای «او، تو، من، ما، شما و ...» دارند و گاهی به آخر کلمات می‌چسبند و گاهی هم جدا می‌آیند و از تکرار بی‌مورد اسم‌ها در جمله جلوگیری می‌کنند.

صیغه	ضمیر منفصل (جدا)	ضمیر متصل به فعل ماضی	ضمیر متصل به فعل مضارع	ضمایر متصل به اسم و فعل و حرف
المفردُ المُذَكَّرُ الغائِبُ	هُوَ	كَتَبَ	يَكْتُبُ*	هـ
المثنى المُذَكَّرُ الغائِبُ	هُمَا	كَتَبَا	يَكْتُبَانِ	هما
الجمعُ المُذَكَّرُ الغائِبُ	هُمْ	كَتَبُوا	يَكْتُبُونَ	هم
المفردُ المؤنثُ الغائِبُ	هِيَ	كَتَبَتْ	تَكْتُبُ*	ها

صیغه	ضمیر منفصل (جدا)	ضمیر متصل به فعل ماضی	ضمیر متصل به فعل مضارع	ضمایر متصل به اسم و فعل و حرف
المُنْتَنِي الْمَوْثِقُ الْغَائِبُ	هُمَا	كَتَبْتَا	تَكْتُبَانِ	هَـمَا
الْجَمْعُ الْمَوْثِقُ الْغَائِبُ	هُنَّ	كَتَبْنَ	يَكْتُبْنَ	هَـنَّ
الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتَ	كَتَبْتَ	تَكْتُبُ*	كَ
الْمُنْتَنِي الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتُمْ	كَتَبْتُمَا	تَكْتُبَانِ	كُـمَا
الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتُمْ	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبُونَ	كُـم
الْمُفْرَدُ الْمَوْثِقُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتِ	كَتَبْتِ	تَكْتُبِينَ	كِ
الْمُنْتَنِي الْمَوْثِقُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتُمْ	كَتَبْتُمَا	تَكْتُبَانِ	كُـمَا
الْجَمْعُ الْمَوْثِقُ الْمُخَاطَبُ	أَنْتُنَّ	كَتَبْتُنَّ	تَكْتُبْنَ	كُنَّ
الْمُتَكَلِّمُ لِلْوَحْدَةِ	أَنَا	كَتَبْتُ	أَكْتُبُ*	ـي
الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	نَحْنُ	كَتَبْنَا	تَكْتُبُ*	ـنَا

نکات مهم در مورد ضمایر

- ضمایر متصل به اسم و فعل و حرف (ه، هما، هم)؛
- اگر به آخر فعل‌ها بچسبند، صدرصد مفعول هستند. ← تَرَاهُمْ: آن‌ها را می‌بینی.
- اگر به آخر اسم‌ها بچسبند، صدرصد مضاف‌الیه هستند. ← مَدْرَسَتُهُمْ: مدرسه‌شان.
- (در درس ۷ می‌خوانیم) اگر به آخر حروف جرّ بچسبند، مجرور به حرف جرّ هستند. ← عَنْهُمْ: درباره‌شان
- **نکته** ضمیر برای اسم‌های جمع غیر انسان به صورت مفرد مؤنث (هی، ها) به کار می‌رود، **مثال** هذه كُتُبٌ قَرَأْتُهَا.

عَيْنِ الضَّمَائِرِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

۱۰۰- ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَ مِنْهُمُزَه

۹۹- فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا السَّمْرَةَ

کلمات پرسشی (استفهام)

کلماتی که معنای پرسش دارند.
اسامی استفهام را در جدول زیر ببینید:

اسم استفهام	ترجمه	نکته	توضیحات
مَنْ (گاهی به صورت «مَنْ + ضمیر» می‌آید، مانند «مَنْ هُوَ»)	چه کسی؟ چه کسانی؟	معمولاً ابتدای جمله می‌آید.	دو نوع «مَنْ» دیگر به نام‌های شرط (هرکس) و موصول (کسی که، کسانی که، که) نیز داریم.
مَا، ماذا	چه چیزی؟ چه چیزهایی؟	معمولاً ابتدای جمله می‌آید.	چند نوع «ما» دیگر به نام‌های شرط (هر چیز) و موصول (چیزی که، که) و نفی (ما + ماضی) و تعجب (ما + أفعل: چه ... نیز داریم.
كَيْفَ	چگونه؟ چه‌طور؟	—	—
أَيْنَ	کجا؟	«مِنْ أَيْنَ»: «اهل کجا؟»	در پاسخ از قید مکان استفاده می‌کنیم، مانند «فَوْقَ، تَحْتَ، خَلْفَ، جَنْبَ، بَعْدَ، قَبْلَ، ...».
مَتَى	کی، چه‌وقت؟	—	در پاسخ از قید زمان استفاده می‌کنیم، مانند «الْيَوْمَ، غَدًا، أَمْسَ، بَعْدَ، قَبْلَ، ...».
لِمَاذَا	چرا؟	مخفف: «لِمَ»	در پاسخ از «لِمَ» یا «لِأَنَّ» استفاده می‌کنیم.
كَمْ	چندتا؟ چه‌قدر؟	—	در پاسخ از اعداد استفاده می‌کنیم، مانند «سَبْعَةَ، خَمْسَةَ، أَرْبَعَةَ و ...».
أَيَّ	کدام؟	—	—

نکته حروف استفهام «أ = هل» به معنای «آیا» هستند که در پاسخ از «نَعَمْ» یا «لا» استفاده می‌کنیم.

ضَع فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً لِلإِسْتِفْهَامِ.

- ۱۰۱- أَنْظُرْ لَيْلِكَ الشَّجْرَةَ نَمَتَ مِنْ حَيْثُ؟
 ۱۰۲- ۱۰۲- ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوْ مِثْلَ الشَّرْزِهِ؟
 ۱۰۳- سَافَرْتُ إِلَى إِيْرَانَ حَتَّى الْآنَ؟ لَا، مَعَ الْأَسْفِ!

عَيِّن اسْمَ الإِسْتِفْهَامِ الْمُنَاسِبَ لِهَذِهِ الْأَجْوِبَةِ.

- ۱۰۴- تَكْتَبُ التَّمَارِينَ كُلَّ يَوْمٍ؟ أَكْتُبُهَا قَبْلَ الْغُرُوبِ!
 ۱۰۵- تَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ صَبَاحًا؟ بِسَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ!
 ۱۰۶- تَسْمَعِينَ قَبْلَ التُّومِ فِي اللَّيْلِ؟ أَسْمَعُ صَوْتَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ!

ترکیب اضافی (مضاف + مضاف الیه)

هرگاه دو اسم در کنار هم بیایند که در ترجمه بین این دو اسم (بی) بیاید. این دو اسم از نظر ظاهر (داشتن «ال» و علامت و ...) لزوماً شباهتی به هم ندارند (دوقلو نیستند). راه تشخیص از طریق ترجمه فارسی:

راه اول: بین دو اسم «ویرگول» و آخرشان «است» می‌گذاریم. عبارت بی‌معنایی ساخته می‌شود. راه دوم: آخر دو اسم «تر» می‌گذاریم. عبارت بی‌معنایی ساخته می‌شود.

مثال هذا كتاب عليّ: این، کتاب علی است. «هذا كتاب» ترکیب اضافی نیست، چون در ترجمه بین دو اسم (بی) نداریم. «کتاب علی» ترکیب اضافی است چون در ترجمه بین آن‌ها (بی) وجود دارد.

راه تشخیص در فارسی: «کتاب، علی است.» بی‌معنا است ← ترکیب اضافی

نکته بسیار کاربردی اگر یکی از ضمیر «ه»، «ها»، «هن»، «ک»، «گم»، «گن»، «ی»، «نا» به آخر اسم بچسبد، صد درصد مضاف الیه است.

مثال کتابه: کتاب او، کتابش - مَدْرَسَتُنَا: مدرسه ما

نکته مضاف، سه چیز نمی‌گیرد:

۱ «ن» آخر اسم مثنی (ان، ین) یا اسم جمع مذکر سالم (ون، ینن):

مثال مَعْلَمُونَ (جمع سالم) + الْمَدْرَسَةُ = مَعْلَمُو الْمَدْرَسَةِ • شَجَرَتَانِ (مثنی) + الْحَدِيقَةُ = شَجَرَتَا الْحَدِيقَةِ

دام مهم دقت کنید که «ن» آخر جمع مکسر عمراً حذف نمی‌شود، چون «ن» جزء حروف اصلی آن است.

مثال مَسَاكِينِ (جمع مکسر) + إِيْرَانِ = مَسَاكِينِ إِيْرَانَ

۲ «ال» **مثال** الْمَعْلَمُونَ + الْمَدْرَسَةُ = مَعْلَمُو الْمَدْرَسَةِ

۳ «توین ے، بی ے» **مثال** شَجْرَةُ + الْحَدِيقَةُ = شَجْرَةُ الْحَدِيقَةِ

ترکیب وصفی

دو اسم در کنار هم می‌آیند و دوقلو هستند (همه‌جوره شبیه هم‌اند).

- صفت (اسم دوم) از نظر تعداد (مفرد، مثنی و جمع)، از نظر جنس (مذکر و مؤنث)، از نظر علامت (مرفوع، منصوب و مجرور) کاملاً شبیه و تابع موصوف (اسم اول) است.
- در راه تشخیص فارسی، ترکیب وصفی بامعنا است. (بین دو اسم ویرگول و آخر دو اسم «است» بگذاریم یا اینکه بعد از پایان اسم دوم «تر» بگذاریم.)

مثال • «کتاب سودمند»: کتاب، سودمند است. ✓ • «کتاب علی»: کتاب، علی است. ✗

کتاب سودمندتر ✓ کتاب علی تر ✗

مثال هذا كتاب مُفِيدٌ: این کتابی سودمند است. - هذه شَجْرَةٌ مُفِيدَةٌ: این درختی سودمند است. - جاءَ عُلَمَاءٌ مُفِيدُونَ: دانشمندانی سودمند آمدند. - رأيتُ بَنَاتًا مُؤَدَّبَاتٍ: دخترانی باادب را دیدم.

نکته اگر موصوف، جمع غیر انسان (غیرعافل) باشد، برای آن از صفت مفرد مؤنث استفاده می‌کنیم.

مثال کتاب‌های سودمند: الْكُتُبُ الْمُفِيدَةُ - العُيُومُ الْمَاطِرَةُ: ابرهای باران‌زا

ترکیب وصفی اضافی

حالتی که در آن یک اسم هم‌زمان هم مضاف الیه بگیرد هم صفت!

مثال دوست عزیز من: اسم «دوست» از طرفی صفت «عزیز» دارد و از طرفی به ضمیر «من» اضافه شده است (مضافاً و موصوفاً معاً).

- در فارسی پس از اسم موصوف مضاف (دوست) ابتدا صفت (عزیز) می‌آید بعدش مضاف الیه (من)، اما در عربی برعکس است. ابتدا مضاف الیه می‌آید، سپس صفت!
- به طور کلی فرمول «اسم + ضمیر + اسم «ال» دار» همیشه بیانگر ترکیب وصفی اضافی است و فرمول «اسم + اسم «ال» دار یا خاص + اسم «ال» دار» عمدتاً (نه همیشه) بیانگر ترکیب وصفی اضافی است.

مثال • صديقة + ي + الْعَزِيْزَةُ = صديقتي العزيرة (دوست عزیزم)

• معلم + المدرسة + الْمُشْفِقُ = معلم المدرسة المُشْفِقُ (معلم دلسوز مدرسه) • كُتُبٌ + زَهْرَاءٌ + الْمُفِيدَةُ = كُتُبُ زَهْرَاءِ الْمُفِيدَةِ (کتاب‌های مفید زهرا)

۱۰۷- عَيْن الموصوف و الصفة و المضاف و المضاف إليه.

الدرس الاول / ذات الغصون التضرّة / ذو حكمة بالغة / الدرر المنتشرة / مطار التجف الأشرّف / صباح التور / حالك / الجمهورية الإسلامية الإيرانية / اسمك الكريم

فعل

کلمه‌ای است دارای معنای مشخص همراه زمان!

در عربی فعل‌ها به ۱۴ صیغه آمده و در سه گروه (غائب، مخاطب، متکلم) تقسیم می‌شوند.

صرف فعل‌ها به شیوه سنتی و اصولی زبان عربی (مشابه زبان فارسی)

صرف فعل‌ها به شیوه سنتی و اصولی زبان عربی

صیغه	ضمیر	ماضی	مضارع «تینا، اتین»
للمتکلم وحده	أنا	كَتَبْتُ	أَكْتُبُ
للمخاطب	أنت	كَتَبْتَ	تَكْتُبُ
للمخاطبة	أنتِ	كَتَبْتِ	تَكْتُبِينَ
لِلغائب	هُوَ	كَتَبَ	يَكْتُبُ
لِلغائبة	هِيَ	كَتَبَتْ	تَكْتُبُ
للمتکلم مع الغير	نحن	كَتَبْنَا	نَكْتُبُ
للمخاطبين	أنتم	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبَانِ
للمخاطبتين	أنتم	كَتَبْتُمَا	تَكْتُبَانِ
للمخاطبين	أنتم	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبُونَ
للمخاطبات	أنتن	كَتَبْتُنَّ	تَكْتُبِينَ
لِلغائبين	هُما	كَتَبَا	يَكْتُبَانِ
لِلغائبتين	هُما	كَتَبَتَا	تَكْتُبَانِ
لِلغائبين	هُم	كَتَبُوا	يَكْتُبُونَ
لِلغائبات	هُنَّ	كَتَبْنَ	يَكْتُبْنَ

صیغه	ضمیر	ماضی	مضارع «تینا، اتین»
لِلغائب	هُوَ	كَتَبَ	يَكْتُبُ
لِلغائبتين	هُمَا	كَتَبَا	يَكْتُبَانِ
لِلغائبين	هُم	كَتَبُوا	يَكْتُبُونَ
لِلغائبة	هِيَ	كَتَبَتْ	تَكْتُبُ
لِلغائبتين	هُمَا	كَتَبَتَا	تَكْتُبَانِ
لِلغائبات	هُنَّ	كَتَبْنَ	يَكْتُبْنَ
لِلْمُخَاطَبِ	أنت	كَتَبْتَ	تَكْتُبُ
لِلْمُخَاطَبَاتِ	أنتِ	كَتَبْتِ	تَكْتُبِينَ
لِلْمُخَاطَبِينَ	أنتم	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبُونَ
لِلْمُخَاطَبَاتِ	أنتم	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبُونَ
لِلْمُخَاطَبَةِ	أنتِ	كَتَبْتِ	تَكْتُبِينَ
لِلْمُخَاطَبَاتِ	أنتم	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبَانِ
لِلْمُخَاطَبَاتِ	أنتن	كَتَبْتُنَّ	تَكْتُبِينَ
لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	أنا	كَتَبْتُ	أَكْتُبُ
لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	نحن	كَتَبْنَا	نَكْتُبُ

مرور مهم ترین زمان فعل هادر عربی

نوع فعل	فرمول عربی	فرمول فارسی	مثال
ماضی استمراری	كان + مضارع	می + ماضی	گنتم تقرئون: می‌خواندید
ماضی نقلی	قَدْ + ماضی	صفت مفعولی (ماضی + ه) + ام، ای، است، ایم، اید، اند	قد أنزلنا: نازل کردیم، نازل کرده‌ایم
ماضی منفی	ما + ماضی ساده، بعید، استمراری، نقلی	«ن» + فعل ماضی	ما رجعنا: برنگشتیم - ما کاناو ینصرون: یاری نمی‌کردند
مستقبل (آینده)	سَ، سَوْفَ + مضارع	خواه + شناسه ها + بن ماضی	سَوْفَ نَحْصَلُ: دست پیدا خواهیم کرد
فعل امر	۱- حذف «ت» اول فعل ۲- اگر اول فعل ساکن شود، آوردن «ا» یا «أ» اول فعل ۳- مجزوم کردن آخر فعل (حذف «ن» یا «ن» به جز صیغه جمع مؤنث «أَنْتُنَّ»)	ب + بن مضارع + شناسه	تَكَلَّمِي: سخن بگو إشربوا: بنوشید
فعل نهی	۱- آوردن «لا» اول فعل ۲- مجزوم کردن آخر فعل (حذف «ن» یا «ن» به جز دو صیغه جمع مؤنث «هُنَّ، أَنْتُنَّ»)	ن + بن مضارع + شناسه‌ها	لا تجلس: ننشین لا تشرَبوا: ننوشید
نفی (مضارع منفی)	أوردن «لا» اول فعل	ن + فعل مضارع	لا تشرَبون: نمی‌نوشید

اَكْتُبْ نَوْعَ ٱلْأَفْعَالِ.

- ۱۰۸- أَنْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ ذَاتِ ٱلْغُصُونِ التَّضْرَهُ.
- ۱۰۹- كَيْفَ نَمَتَ مِن حَبَّةٍ؟!
- ۱۱۰- فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا ٱلَّذِي / يُخْرِجُ مِنْهَا التَّمْرَهُ.
- ۱۱۱- لَا، مَعَ ٱلسَّفْرِ. لَكِنِّي أُحِبُّ أَنْ ٱسَافِرَ.
- ۱۱۲- هُنَّ مَا كُنَّ يَذْهَبْنَ بِسُرْعَةٍ.
- ۱۱۳- إِنَّا سَوْفَ نَجْلِسُ هُنَا.
- ۱۱۴- لَا تَنْظُرْ هُنَاكَ.

اَكْمَلِ ٱلْفَرَغَاتِ.

فعل ماضى	فعل مضارع	فعل امر	فعل ماضى استمرارى	فعل نهى	فعل مستقبل	ضمير	حروف اصلى
شَرِبْتُمْ	۱۱۵-	۱۱۶-	۱۱۷-	۱۱۸-	۱۱۹-	أَنْتُمْ	۱۲۰-
۱۲۱-	تَخْرُجِينَ	۱۲۲-	۱۲۳-	۱۲۴-	۱۲۵-	خرج

اَعْدَادُ وَبَيَانُ سَاعَتِ دَرِ عَرَبِي

■ اعداد در عربى دو نوع اند:

- اعداد اصلى: اعدادى كه براى شمردن افراد و اشياء و ... به كار مى روند، مانند يك، دو، سه و ...
 - اعداد ترتيبى: اعدادى كه براى بيان رتبه و ترتيب استفاده مى شوند، مانند اول، دوم، سومين، چهارم و ...
- از اعداد ترتيبى (به جز «الأول») براى بيان ساعت نيز استفاده مى شود.

اَعْدَادُ اصْلِي

عدد	به فارسى	به عربى
۱۱	يازده	أَحَدَ عَشَرَ - إِحْدَى عَشْرَةَ
۱۲	دوازده	إِثْنَا عَشَرَ - إِثْنِي عَشَرَ - إِثْنَتَا عَشْرَةَ - إِثْنَتِي عَشْرَةَ
۱۳	سيزده	ثَلَاثَةَ عَشَرَ - ثَلَاثَ عَشْرَةَ
۱۴	چهارده	أَرْبَعَةَ عَشَرَ - أَرْبَعَ عَشْرَةَ
۱۵	پانزده	خَمْسَةَ عَشَرَ - خَمْسَ عَشْرَةَ
۱۶	شانزده	سِتَّةَ عَشَرَ - سِتَّ عَشْرَةَ
۱۷	هفده	سَبْعَةَ عَشَرَ - سَبْعَ عَشْرَةَ
۱۸	هجده	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ - ثَمَانِي عَشْرَةَ
۱۹	نوزده	تِسْعَةَ عَشَرَ - تِسْعَ عَشْرَةَ
۲۰	بيست	عِشْرُونَ - عِشْرِينَ

عدد	به فارسى	به عربى
۰	صفر	صفر
۱	يك	واحد - واحدة
۲	دو	اثنان - اثنین - اثنتان - اثنتین
۳	سه	ثلاثة - ثلاث
۴	چهار	أربعة - أربع
۵	پنج	خَمسة - خَمس
۶	شش	سِتة - سِت
۷	هفت	سَبعة - سَبع
۸	هشت	ثَمَانية - ثَماني
۹	نه	تِسعة - تِسع
۱۰	ده	عَشرة - عَشَر

اَعْدَادُ تَرْتِيبِي

اعدادى كه براى بيان ترتيب و رتبه به كار مى روند.

- اين اعداد در ترجمه فارسى به صورت «م، م، م» يا «م، م، م» براى بيان ساعت به كار مى روند.
- اعداد ترتيبى هميشه با «ال» مى آيند و از ۲ تا ۱۹ بر وزن «فَاعِل» هستند.

این اعداد همیشه بعد از معدود می آیند، مانند ۱ و ۲ اصلی (معدود + عدد).

عدد	به فارسی	به عربی
۱۱	یازدهم	الحادي عشر - الحادية عشرة
۱۲	دوازدهم	الثاني عشر - الثانية عشرة
۱۳	سیزدهم	الثالث عشر - الثالثة عشرة
۱۴	چهاردهم	الرابع عشر - الرابعة عشرة
۱۵	پانزدهم	الخامس عشر - الخامسة عشرة
۱۶	شانزدهم	السادس عشر - السادسة عشرة
۱۷	هفدهم	السابع عشر - السابعة عشرة
۱۸	هجدهم	الثامن عشر - الثامنة عشرة
۱۹	نوزدهم	التاسع عشر - التاسعة عشرة
۲۰	بیستم	العشرون - العشرين

عدد	به فارسی	به عربی
۱	یکم	الأول - الأولى
۲	دوم	الثاني - الثانية
۳	سوم	الثالث - الثالثة
۴	چهارم	الرابع - الرابعة
۵	پنجم	الخامس - الخامسة
۶	ششم	السادس - السادسة
۷	هفتم	السابع - السابعة
۸	هشتم	الثامن - الثامنة
۹	نهم	التاسع - التاسعة
۱۰	دهم	العاشر - العاشرة

بیان ساعت: ساعت را به چهار صورت می توان بیان کرد:

- ساعت کامل: الساعة + عدد ترتیبی مؤنث (به جز ۱) + تماماً ← الساعة الخامسة تماماً
- ساعت + ۱۵: الساعة + عدد ترتیبی مؤنث (به جز ۱) + وَ الرَّبْع ← الساعة الخامسة وَ الرَّبْع
- ساعت + ۳۰: الساعة + عدد ترتیبی مؤنث (به جز ۱) + وَ النَّصْف ← الساعة الخامسة وَ النَّصْف
- ساعت + ۴۵: الساعة + عدد ترتیبی مؤنث بعدی (به جز ۱) + إِلَّا رُبْعاً ← الساعة السادسة إِلَّا رُبْعاً

نکات ۱ برای ساعت یک از عدد اصلی «الواحدة» استفاده می کنیم.

۲ برای بیان دقیقه در زبان عربی از اعداد اصلی استفاده می کنیم، مثلاً ۲۷ دقیقه می شود «سبعة و عشرون دقيقة».

روزهای هفته	ترتیب	الأول	الثاني	الثالث	الرابع	الخامس	السادس	السابع
عربی	السبت	الأحد	الاثنين	الثلاثاء	الأربعاء	الخميس	الجمعة	الجمعة
فارسی	شنبه (ابتدا)	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه (وسط هفته)	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه (انتها)	جمعه (انتها)

فصل های سال	ترتیب	الأول	الثاني	الثالث	الرابع
عربی	الربيع	الصيف	الخريف	الشتاء	الشتاء
فارسی	بهار	تابستان	پاییز	زمستان	زمستان

جوايز	ترتيب	الأول	الثاني
عربی	الذهب	الفضة	الفضة
فارسی	طلا	نقره	نقره

اكتب الساعات باللغة العربية.

۱۲۸- ۱۵: ۶

۱۲۷- ۴۵: ۸

۱۳۰- ۳۰: ۳

۱۲۹- ۰۰: ۱

كمل الفراغ.

۱۳۲- للفائز الثاني جائزة

۱۳۱- الفصل في السنة هو فصل الشتاء!

۱۳۳- اليوم الوسط في أيام الأسبوع هو يوم

سؤالات قواعد

بخش چهارم:

ترجم هذه الجمل و اكتب نوع الأفعال.

- ١٣٤- و إنا سوف نكتب أبحاثاً. ترجمه: نوع الفعل:
- ١٣٥- كانوا يكتبون بدقة. ترجمه: نوع الفعل:
- ١٣٦- لا تكتب على الجدار. ترجمه: نوع الفعل:
- ١٣٧- ما كتبنا تماريننا. ترجمه: نوع الفعل:
- ١٣٨- أنتم لا تكتبون بسرعة. ترجمه: نوع الفعل:
- ١٣٩- ضغ في الفراغ كلمة مناسبة. ترجمه: نوع الفعل:
- ١٤٠- اكتبوا واجباتكم. ترجمه: نوع الفعل:
- ١٤١- كنتن تكتبن رسالتكن. ترجمه: نوع الفعل:

أرسم عقارب الساعات.



انتخب الفعل المناسب للفراغ.

- ١٤٨- يا صديقي، هل كلامك؟
- ١٤٩- ماذا أيتها الوالدة؟
- ١٥٠- لون الشجرة
- ١٥١- أصدقائي من العطلات.
- ١٥٢- الأطفال في ساحة المدرسة.
- ١٥٣- رجاءً من السيارة.
- ١٥٤- إني، من أنت؟
- ١٥٥- فستاناً من السوق.
- ١ (1) ذكرت
- ٢ (2) ذكرتم
- ٣ (3) قرأت
- ١ (1) عملت
- ٢ (2) يفعل
- ٣ (3) عمل
- ١ (1) أبيض
- ٢ (2) أخضر
- ٣ (3) أسود
- ١ (1) رجعوا
- ٢ (2) رجعنا
- ٣ (3) رجع
- ١ (1) يلعب
- ٢ (2) يفتح
- ٣ (3) يأخذ
- ١ (1) أطلبوا
- ٢ (2) إنزلوا
- ٣ (3) طلبوا
- ١ (1) لا أعرفك
- ٢ (2) لا أطلبك
- ٣ (3) ما جلست
- ١ (1) رجعنا
- ٢ (2) اشترينا
- ٣ (3) قرأنا

ضع هذه الجمل و التراكيب في مكانها المناسب.

هؤلاء الرجال - هذان التلميذان - تلك البطارية - هؤلاء فائزات - هاتان زجاجتان - أولئك الفائزون

مفرد مؤنث	مثنى مذكر	مثنى مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر
.....
.....
.....
.....
.....
.....

پاسخ سوالات درس ۱

۵۳. گزینه «۱»؛ ۱- اکبر (بزرگ‌ترین) ۲- اَحْمَر (قرمز) ۳- اَحْضَر (سبز) ۴- اَزْرَق (آبی)
۵۴. ابر؛ ترجمه: نگاه کن به ابر پس کیست که از آن باران را فرود آورد؟
۵۵. ریزان؛ ترجمه: او خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.
۵۶. رشد کرد؛ ترجمه: چگونه از دانه‌ای رشد کرد؟
۵۷. جست‌وجو کن؛ ترجمه: پس جست‌وجو کن و بگو کیست کسی که از آن میوه را بیرون می‌آورد؟
۵۸. آراست، زینت داد؛ ترجمه: و آن را با ستارگانی آراست.
۵۹. فروزان؛ ترجمه: نگاه کن به خورشیدی که پاره آتش آن فروزان است.
۶۰. روشنایی؛ ترجمه: در آن روشنایی است و به وسیله آن گرما پراکنده می‌شود.
۶۱. پدید آورد؛ ترجمه: چه کسی در آن ماه را پدید آورد؟
۶۲. قَاعَة (سالن)؛ ترجمه: یکی از کارمندان در سالن فرودگاه گفت.
۶۳. الشَّرْرَة (پاره آتش)؛ ترجمه: پاره‌ای از آتش است.
۶۴. کیف؟ (پلئونه)؛ ترجمه: حال تو چگونه است؟ من خوبم.
۶۵. لا أَعْلَمُ (نمی‌دانم)؛ ترجمه: سخن «نمی‌دانم» نیمی از دانش است (نصف علم است).
۶۶. سافرت (سفر کرده‌ای)؛ ترجمه: آیا تاکنون به ایران سفر کرده‌ای، ای دوست من؟
۶۷. النُّجُوم (ستارگان)؛ ترجمه: خدا شب را با ستارگان آراست.
۶۸. النَّصْرَة (ترو تازه)؛ ترجمه: آن درخت دارای شاخه‌های تر و تازه است.
۶۹. صَارَتْ (شد/گردید)؛ ترجمه: چگونه زمین سرسبز گردید؟
۷۰. تاکنون مسافرت نکرده‌ام، اما دوست دارم که مسافرت کنم.
۷۱. درخت از دانه‌ای رشد کرد و درختی بلند شد.
۷۲. و درباره درختان پرس‌وجو کرد و گفت چه کسی از آن میوه را بیرون می‌آورد؟
۷۳. پس زمین را به وسیله آن بعد از غبارآلودگی سرسبز گرداند.
۷۴. و به انسان بنگر و بگو کیست که در (چهره) او چشم را شکافت.
۷۵. این کیست که او را به قدرت تفکر مجهز نمود.
۷۶. پروردگارا ما را با گروه ستمگر قرار نده.
۷۷. دانش بجوئید اگرچه در چین باشد، زیرا طلب دانش واجب است.
۷۸. به زیادی نماز و روزه‌شان نگاه نکنید.
۷۹. گفتن «نمی‌دانم» نیمی از دانش است.
۸۰. و درباره آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند.
۸۱. مفرد مذکر: الحمد (ستایش)، اللقاء (دیدار)
۸۲. مفرد مؤنث: الشمس (خورشید)، الإسلامیة (اسلامی)، دِقَّة (دقت)، النار (آتش)
۸۳. مثنی مذکر: مطاران (دو فرودگاه)
۸۴. مثنی مؤنث: جذوتین (دو پاره آتش)
۸۵. جمع مذکر سالم: الصالحون (درستکاران)
۸۶. جمع مؤنث سالم: السماوات (آسمان‌ها)، فائزات (بَرنده‌ها)
۸۷. جمع مکسر: الغصون (شاهه‌ها)؛ جمع الغصن، أنعم (نعمت‌ها)؛ جمع نغمة، کواکب (ستارگان)؛ جمع کوكب، أنجم (ستارگان)؛ جمع نجم، أبحاثاً (پژوهش‌ها)؛ جمع بحث، عقارب (عقربه‌ها)؛ جمع عقربة
۸۸. الف (الف)؛ جمع مكسر / ب) أصوات: جمع مكسر - الطيور: جمع مكسر
۸۹. گزینه «۱»؛ الضامین جمع مذکر سالم. «الضائم: روزه‌دار» است.

۱. سپاس - آسمان‌ها - قرار داد ۲. نگاه کن - شاخه‌های
۳. چگونه از دانه‌ای رشد کرد و چگونه درختی شد؟
۴. گزینه «۲» ۵. گزینه «۱» ۶. گزینه «۲»
۷. او همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.
۸. گزینه «۲»
۹. پس زمین را پس از غبارآلودگی با آن سرسبز گردانید.
۱۰. شخص (انسان) - چشمش - شکافت
۱۱. گزینه «۱»
۱۲. فشرده شده - باران
۱۳. گزینه «۲»
۱۴. پروردگارا - بیهوده ۱۵. السحاب (ابر) = الغيم (ابر)
۱۶. کثیر (زیاد) = قلیل (کم) ۱۷. العدو (دشمن) = الصديق (دوست)
۱۸. الضياء (روشنایی) = الظلمة (تاریکی)
۱۹. أنشأ (پدید آورد) = أوجد (به وجود آورد)
۲۰. رَفَدَ (بستری شد) = نام (فروید) ۲۱. حَرِين (غمگین) = مَشْرُور (شار)
۲۲. بعید (دور) = قریب (نزدیک) ۲۳. قَبِيح (زشت) = جَمِيل (زیبا)
۲۴. نهایة (پایان) = بَدَايَة (آغاز) ۲۵. مَمْنُوع (غیرمجاز) = مَسْمُوح (مجاز)
۲۶. رایب (مردود) = نَاجِح (موفق)
۲۷. الله؛ ترجمه: او خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.
۲۸. الشمس؛ ترجمه: در خورشید نور و حرارتی است و پاره آتش آن فروزان است.
۲۹. الغيم؛ ترجمه: ابر، بخاری فشرده در آسمان است که باران از آن فرود می‌آید.
۳۰. القمر؛ ترجمه: ماه سیاره‌ای است که دور زمین می‌چرخد و نور آن از خورشید است.
۳۱. الذَّرَر؛ ترجمه: زن خودش را با مرواریدها می‌آراید، در حالی که آن از سنگ‌های زیباست.
۳۲. حَبَّة؛ ترجمه: درخت از دانه‌ای رشد کرد.
۳۳. الفستان؛ ترجمه: پیراهن زنانه از لباس‌های زنانه است که دارای رنگ‌های متنوعی است.
۳۴. الشَّرْرَة؛ ترجمه: اخگر قطعه‌ای جداگانه از آتش فروزان است.
۳۵. الذَّرر (مرواریدها) ۳۶. النُّجُوم (ستارگان)
۳۷. الشمس (خورشید) ۳۸. الغيم / السحاب (ابر)
۳۹. الحَبَّة (دانه) ۴۰. الغيم جمع الغيوم (ابرها)
۴۱. الأنعم مفرد التعمة (نعمت) ۴۲. الذَّرر جمع الدَّرر (مرواریدها)
۴۳. الحجر جمع الأحجار (سنگ‌ها) ۴۴. الغصن جمع الغصون (شاهه‌ها)
۴۵. الشَّجَر جمع الأشجار (درختان) ۴۶. الأنجم مفرد النجم (ستاره)
۴۷. ألوان مفرد لون (رنگ)
۴۸. گزینه «۳»؛ ۱- ورق (برگ) ۲- شجرة (درخت) ۳- لیل (شب) ۴- غصن (شاهه)
۴۹. گزینه «۴»؛ ۱- کثیرة (زیاد) ۲- مُنْهَجْرَة (ریزان) ۳- وافرَة (بسیار)
- ۴- جذوة (پاره آتش)
۵۰. گزینه «۱»؛ ۱- مطار (فرودگاه) ۲- سحاب (ابر) ۳- مَطَر (باران) ۴- غيم (ابر)
۵۱. گزینه «۲»؛ ۱- حرارة (گرما) ۲- نَصْرَة (ترو و تازه) ۳- جذوة (پاره آتش)
- ۴- شَرْرَة (افگر)
۵۲. گزینه «۱»؛ ۱- لون (رنگ) ۲- بِنَاء (زمستان) ۳- زَبِيع (بهار) ۴- حَرِيف (پاییز)

۹۰

حروف اصلی	وزن	حروف اصلی	وزن	حروف اصلی	وزن
نَضْرَ	فَعْلَةٌ	أَحْجَارٌ	حَجْرٌ	أَعْمَالٌ	
يُخْرِجُ	يُفْعِلُ	غَالِيَةٌ	غَلُو	فَاعِلَةٌ	
مُسْتَعْرَةٌ	مُفْتَعِلَةٌ	مَلَابِسٌ	لِبَسٌ	مَفَاعِلٌ	
أَوْجَدَ	أَفْعَلٌ	صَبَّارٌ	صَبْرٌ	فَعَالٌ	
أَنْعَمُ	أَفْعُلٌ	مَسْمُوحٌ	سَمَحٌ	مَفْعُولٌ	
بِالْفَعْلِ	فَاعِلَةٌ	مُجِدٌّ	جَدَدٌ	مُفْعِلٌ	
تَعَارَفَ	تَفَاعُلٌ	يَتَفَكَّرُونَ	فَكَرٌ	يَتَفَعَّلُونَ	
أَشْرَفَ	أَفْعَلٌ				

۹۱. هَذِهِ (تلك) السَّمَاوَاتِ - هَذِهِ (تلك) البَطَارِيَّةُ - هَذَا (ذلك) التَّوْرُ - هَذِهِ (تلك) العُصُونِ - هَؤُلَاءِ الإِخْوَانِ - هَاتَيْنِ اليَدَيْنِ - هَذِهِ (تلك) الدَّرَرُ - هَذَا (ذلك) المَطَرُ

۹۲. آن درختی است که هر روز آن را در باغ می‌بینیم.
۹۳. این مؤمنان در مسجدها نماز می‌خوانند.

۹۴. الَّذِي (در مورد اسم مذکر الله) ۹۵. الَّتِي (در مورد اسم مؤنث الشَّمْسِ)
۹۶. الَّتِي (در مورد اسم مؤنث الشَّجَرَةِ) ۹۷. الَّذِي (در مورد اسم مذکر اللَّيْلِ)

۹۸. الَّتِي (در مورد اسم جمع غیر انسان «الملابس»)

۹۹. هَا ۱۰۰. هُوَ - هِ ۱۰۱. كَيْفَ (كَيْفُونَهُ)

۱۰۲. مَنِ (مَنْ كَيْفَ سَبِي) ۱۰۳. هَلْ (هَلْ زَيْ) ۱۰۴. مَتَى (مَتَى زَمَانِي)

۱۰۵. كَيْفَ (كَيْفَ هِزِي) ۱۰۶. مَاذَا (مَاذَا هِزِي)

۱۰۷. التَّوْرُ: موصوف - الأول: صفت/ ذات: مضاف - العُصُونِ: مضاف‌الیه برای «ذات»

و موصوف برای «التَّوْرَةُ» - التَّوْرَةُ: صفت/ ذو: مضاف - حِكْمَةٌ: مضاف‌الیه برای «ذو»

و موصوف برای «بالغة» - بِالْفَعْلِ: صفت/ الدَّرَرُ: موصوف - المُنْتَشِرَةُ: صفت/ مَطَارُ:

مضاف - التَّجَفُّفِ: مضاف‌الیه برای «مطار» و موصوف برای «الأشرف» - الأشرف: صفت/

صَبَّاحٌ: مضاف - التَّوْرُ: مضاف‌الیه/ حالٌ: مضاف - كُ: مضاف‌الیه/ الجُمُهوريةَّة: موصوف -

الإِسْلَامِيَّة: صفت - الإِپْرَانِيَّة: صفت/ اسمٌ: مضاف - كُ: مضاف‌الیه - الكَرِيمُ: صفت

۱۰۸. أَنْظُرُ: فعل امر ۱۰۹. نَمَتَ: فعل ماضی

۱۱۰. اِبْحَثْ: فعل امر - قُلْ: فعل امر - يُخْرِجُ: فعل مضارع

۱۱۱. أَحْبَبْ: فعل مضارع - أَسَافِرُ: فعل مضارع

۱۱۲. مَا كُنْتُ يَذْهَبُنَ: فعل منفي ماضی استمراری

۱۱۳. سَوْفَ نَجْلِسُ: فعل مستقبل

۱۱۴. لَا تَنْظُرْ: فعل نهی

۱۱۵. تَشْرَبُونَ

۱۱۶. اِشْرَبُوا

۱۱۷. كُنْتُمْ تَشْرَبُونَ

۱۱۸. لَا تَشْرَبُوا

۱۱۹. سَوْفَ تَشْرَبُونَ / سَتَشْرَبُونَ

۱۲۰. شَرِبْ

۱۲۱. خَرَجْتُ

۱۲۲. أَخْرَجِي

۱۲۳. كُنْتُ تَخْرُجِينَ

۱۲۴. لَا تَخْرُجِي

۱۲۵. سَتَخْرُجِينَ / سَوْفَ تَخْرُجِينَ

۱۲۶. أَنْتِ

۱۲۷. السَّاعَةُ التَّاسِعَةُ إِلَّا رُبْعًا

۱۲۸. السَّاعَةُ السَّادِسَةُ وَ الرَّبْعُ

۱۲۹. السَّاعَةُ الْوَاحِدَةُ تَمَامًا

۱۳۰. السَّاعَةُ الثَّلَاثَةُ وَ النَّصْفُ

۱۳۱. الرَّابِعُ (فصل چهارم در سال، همان فصل زمستان است.)

۱۳۲. فِضِيَّةٌ (نفر دوم جایزه نقره‌ای دارد.)

۱۳۳. الثَّلَاثَاءُ (روز وسط در روزهای هفته همان روز سه‌شنبه است.)

۱۳۴. ترجمه: و به راستی ما تحقیقاتی را خواهیم نوشت.

نوع فعل: سوف + مضارع ← مُسْتَقْبَل (آینده)

۱۳۵. ترجمه: با دقت می‌نوشتند.

نوع فعل: كان + مضارع ← ماضی استمراری

۱۳۶. ترجمه: روی دیوار ننویس.

نوع فعل: لای نهی + مضارع ← فعل نهی

۱۳۷. ترجمه: تمرین‌هایمان را ننوشتیم.

نوع فعل: ما + ماضی ← ماضی منفی

۱۳۸. ترجمه: شما با سرعت نمی‌نویسید.

نوع فعل: لای نفی + مضارع ← مضارع منفی

۱۳۹. ترجمه: در جای خالی کلمه مناسب را قرار بده.

نوع فعل: ضَعُ ← فعل امر مخاطب

۱۴۰. ترجمه: تکالیفتان را بنویسید. نوع فعل: اُكْتُبُوا ← فعل امر مخاطب

۱۴۱. ترجمه: نامه‌هایتان را می‌نوشتید.

نوع فعل: كان + مضارع ← ماضی استمراری

۱۴۲. یک ربع به پنج ۱۴۳. یک ربع به شش



۱۴۴. ده تمام ۱۴۵. پنج و ربع



۱۴۶. هشت و نیم ۱۴۷. چهار و نیم



۱۴۸. ذَكَرْتُ؛ ترجمه: ای دوست من، آیا سخت را به یاد آوردی؟ (۲- به یاد آوردید ۳- خواندی)

۱۴۹. عَمَلْتُ؛ ترجمه: چه کار کردی ای مادر؟ (۲- انجام می‌دهد ۳- انجام داد)

۱۵۰. أَخْضَرُ؛ ترجمه: رنگ درخت سبز است. (۱- سفید ۳- سیاه)

۱۵۱. رَجَعُوا؛ ترجمه: دوستان از تعطیلات برگشتند. (۲- برگشتیم ۳- برگشت)

۱۵۲. يَلْعَبُ؛ ترجمه: کودکان در حیاط مدرسه بازی می‌کنند. (۲- بازی می‌کند ۳- می‌گیرد)

۱۵۳. اِنزَلُوا؛ ترجمه: لطفاً از ماشین پیاده شوید. (۱- بخواید ۲- خواستند)

۱۵۴. لَا أَعْرِفُكَ؛ ترجمه: من تو را نمی‌شناسم تو کیستی؟ (۲- تو را نمی‌خواهم ۳- ننشستم)

۱۵۵. اِشْتَرَيْتَنِي؛ ترجمه: از بازار پیراهن زنانه‌ای خریدیم. (۱- برگشتیم ۲- خواندیم)

۱۵۶. مفرد مؤنث: تَلَكُ البَطَارِيَّةُ (آن باتری)

۱۵۷. مثنی مذکر: هَذَانِ التَّلْمِيذَانِ (این دو دانش‌آموز)



۲	<p>عَيْنِ الفعل المناسب للفرّاع.</p> <p>۲۹- ﴿فَإِذَا فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾</p> <p>۳۰- الصَّيْنُ أَوْلُ دَوْلَةٍ نُقُوداً وَرَقِيَّةً.</p> <p>۳۱- الإسلامُ الأديان الإلهية.</p> <p>۳۲- ﴿..... قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ﴾</p> <p>عَزَمْتُمْ <input type="checkbox"/> عَزَمْتُ <input type="checkbox"/> شَاوَزْتُ <input type="checkbox"/></p> <p>إِسْتَخْرَجْتُ <input type="checkbox"/> إِسْتَحَدَمْتُ <input type="checkbox"/> إِسْتَمَعْتُ <input type="checkbox"/></p> <p>يَحْتَرِمُ <input type="checkbox"/> يَحْتَرِمُونَ <input type="checkbox"/> احْتَرِمُوا <input type="checkbox"/></p> <p>أَخْرَجَ <input type="checkbox"/> يُخْرِجُ <input type="checkbox"/> أَخْرَجَ <input type="checkbox"/></p>	۹															
۰/۵	<p>عَيْنِ الصَّحِيح.</p> <p>۳۳- مِئَةٌ حَتَّى:</p> <p>۳۴- ثَلَاثُونَ فِي الْمِئَةِ:</p> <p>(۱) ده عدد قرص <input type="checkbox"/> (۲) صد دانه <input type="checkbox"/></p> <p>(۱) سه درصد <input type="checkbox"/> (۲) سی درصد <input type="checkbox"/></p>	۱۰															
۲	<p>كَمَلِ الجدول.</p> <table border="1"> <thead> <tr> <th>الماضي</th> <th>المضارع</th> <th>النَّهْي</th> <th>الأمر</th> <th>المصدر</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>شَارِكْ</td> <td>.....</td> </tr> <tr> <td>.....</td> <td>تُقِيلُونَ</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> </tr> </tbody> </table>	الماضي	المضارع	النَّهْي	الأمر	المصدر	شَارِكْ	تُقِيلُونَ	۱۱
الماضي	المضارع	النَّهْي	الأمر	المصدر													
.....	شَارِكْ													
.....	تُقِيلُونَ													
۱	<p>عَيْنِ الجواب الصَّحِيح.</p> <p>۳۷- المصدر من «كَاتَبَ»:</p> <p>۳۸- المضارع من «إِسْتَعَلَّ»:</p> <p>۳۹- الأمر من «تَجَمَّعَ»:</p> <p>۴۰- الماضي من «بَتَعَامَلُ»:</p> <p>يُكَاتِبُ <input type="checkbox"/> كُتِبَ <input type="checkbox"/> مَكَاتَبَةٌ <input type="checkbox"/></p> <p>يَسْتَعِلُّ <input type="checkbox"/> يَشْعُلُ <input type="checkbox"/> اشْتَعَالَ <input type="checkbox"/></p> <p>إِجْمَعُ <input type="checkbox"/> تَجَمَّعُ <input type="checkbox"/> اجْتَمِعُ <input type="checkbox"/></p> <p>تَعَامَلُ <input type="checkbox"/> عَامَلَ <input type="checkbox"/> عَمِلَ <input type="checkbox"/></p>	۱۲															
۰/۵	<p>اِنتَخِبِ العملية الحسابية.</p> <p>۴۱- ثمانية عَشْرَ ناقصٍ أَحَدَ عَشْرَ يُساوي</p> <p>۴۲- إثْنانٍ و تسعونَ تَقْسِيمٌ عَلَى إِثْنَيْنِ يُساوي</p> <p>ثَمَانِيَةٌ <input type="checkbox"/> ثَمَانِيَةٌ <input type="checkbox"/> سَبْعَةٌ <input type="checkbox"/></p> <p>أَرْبَعَةٌ <input type="checkbox"/> أَرْبَعَةٌ <input type="checkbox"/> بَيْتَةٌ <input type="checkbox"/> وَأَرْبَعِينَ <input type="checkbox"/></p>	۱۳															
۱	<p>ضَعْ في الدائرة العدد المناسب.</p> <p>۴۳- الصداع <input type="checkbox"/> قِطْعَةٌ مِنَ الأَرْضِ. <input type="checkbox"/></p> <p>۴۴- الأزرق <input type="checkbox"/> وَجَعٌ فِي الرِّأْسِ تَخْتَلِفُ أَنْوَاعُهُ وَأَسْبَابُهُ. <input type="checkbox"/></p> <p>۴۵- الدخان <input type="checkbox"/> بَخَارٌ مَتْرَاكِمٌ يَنْزِلُ مِنْهُ المَطَرُ. <input type="checkbox"/></p> <p>۴۶- البُقْعَةُ <input type="checkbox"/> لَوْنٌ يَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ الصَّافِيَةِ. <input type="checkbox"/></p> <p>الشيء الذي يَضَعُدُ مِنَ النَّارِ. <input type="checkbox"/></p>	۱۴															
۰/۵	<p>أرسم عقارب الساعة.</p> <p>۴۷- السابعةُ إِلَّا رُبْعاً</p> <p>۴۸- الخامسةُ وَالنِّصْفَ</p>  	۱۵															
۰/۵	<p>أَجِبْ عن الأسئلة.</p> <p>۴۹- إلى أين تذهبون؟</p> <p>۵۰- كم تلميذاً في الصف؟</p>	۱۶															
۱	<p>اقرأ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأسئلة.</p> <p>«تَحَدَّثَ ظَاهِرَةٌ مَطَرِ السَّمَكِ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحياناً فيشاهدُ الناسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ وَ مَطْراً شَدِيداً لِمُدَّةِ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تُصْبِحُ الأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالأَسْمَاكِ فَيَأْخُذُهَا الناسُ لِطَبْخِهَا وَ تَنَاوُلِهَا.»</p> <p>۵۱- كم مرّة يحدثُ مَطَرُ السَّمَكِ فِي السَّنَةِ؟</p> <p>۵۲- كيف كانتُ الأَرْضُ بَعْدَ مَطَرِ السَّمَكِ؟</p>	۱۷															
۲۰	<p>جمع نمرات</p> <p>«موفق باشيد»</p>																